حمایت یا مجازاتِ کودکانِ فقرا!

نازنین و یامین

تاکنون اکثر اعضای سازمان ملل متحد "پیمان نامه حقوق کودک"[1] را امضاء کرده و التزام خود را برای اجرای مفاد آن اعلام داشته‌اند. در سال ۱۹۹٤، جمهوری اسلامی ایران نیز با امضای این پیمان نامه[2] متعهد شد تا تسهیلات لازم برای رعایت حقوق کودکان (افراد زیر ۱۸ سال که ۳۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند[3]) فراهم آورد. اما نه تنها چنین نکرد بلکه سن ازدواج دختربچگان را تغییر نداد.[4]

اما جمهوری اسلامی و دولتهای امضاکننده این پیمان نامه نه تنها امکانات لازم برای بهبود شرایط رشد و سلامت فردی-اجتماعی کودکان را تامین نکرده‌اند بلکه چنان وضعیت فاجعه‌باری را برای کودکان فراهم آورده‌اند که تکاندهنده و ناباورانه است. بنا به جدیدترین گزارش سازمان حفاظت از کودکان «Save the Children» بیش از ۱٫۲ میلیارد کودک در معرض فقر، خشونت و تبعیض قراردارند[5] ؛ در هر دقیقه یک کودک زیر ۵ سال با تهدید مرگ از گرسنگی روبرو می‌شود و از هر پنج کودکِ پنج ساله یکی دچار سوء تغذیه است[6]. البته سهم کودکانِ کشورهای فقیر، جنگ‌زده (مثل یمن) و نیز کشورهایی که تحت نفوذ مذهب، سنت و نژادپرستی قراردارند بیشتر از سایرین است.

تمرکز نوشتار حاضر روی وضعیت کودکان روم تبارِ ساکن مجارستان است. با آنکه روم‌ها حدود ۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند اما از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی و انسانی محرومند. با روی کارآمدن ویکتور اوربان و حزب دست راستی اش فیدس *Fidesz* وضعیت روم‌ها بمراتب وخیم تر شده است.

در گزارش مستندی که استیسی دولی (Stacey Dooley) مستندساز بی.بی.سی تهیه کرده[7] با ابعاد فاجعه‌آمیز این وضعیت آشناتر می‌شویم. در نخستین صحنهٔ فیلم، استیسی از یکی از مسئولین دولتی می‌پرسد: "بنظرت چه تعدادی از این دختربچگان به تن فروشی رومی‌آورند؟" او در جواب می گوید: "حدود نیمی از آنان". دوباره می پرسد: "مسئولین مربوطه از آنچه در جریان است باخبر هستند اما چرا کاری نمی‌کنند؟"

با این دیالوگ کوتاه قرار است تا دوربین به کندوکاو برای یافتن پاسخ به دو سئوال بحرکت درآید: ۱- چرا و چگونه بخش اعظم دختربچگان روم تبارِ مجارستان به فاحشگی کشانده می‌شوند؟ ۲- چرا مقامات دولتی و مسئولین ذیربط اقدامی برای حمایت از این کودکان بعمل نمی‌آورند؟

در نخستین گام، اولین مسئله‌ای که جلب توجه می‌کند حضورِ تقریبا تام و تمام کودکان روم تبار در مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست است. چرا اکثر قریب به اتفاق کودکان ساکن این مراکز روم تبار هستند؟ آیا دلیلش این است که روم‌ها تعهدی نسبت به نگهداری و سرپرستی فرزندانشان احساس نمی‌کنند؟ آنها را بر سر راه می‌گذارند و یا بی‌پناه در جامعه رها می‌کنند؟

نه!... بزودی روشن می‌شود که دلیلش اقداماتِ راسیستی دولتِ راستگرای اوربان است. سازمان تامین اجتماعیِ مجارستان، با استناد به بند ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، و با این ادعا که کودکان خانواده‌های روم در محیط نامساعدی بسرمی برند و در معرض خشونت، بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین‌شان قراردارند، آنها را از خانواده هایشان جدا می‌کنند و به مراکز نگهداری کودکان بی یا بدسرپرست می‌سپارند. ظاهر قضیه این است که دولت اوربان مدافع حقوق کودکان است و برای تامین شرایط رشد و زیست بهتر آنان دست به چینن اقداماتی می‌زند. اما سئوالی که پیش می‌آید این است که چرا بیش از ۹۵ درصد کودکان ساکن این مراکز روم تبار هستند؟ آیا این تنها روم‌های مجارستان هستند که توان تامین شرایط مناسب برای تربیت کودکان‌شان را ندارند؟

دوربین به سراغ خانواده‌های روم می‌رود تا شرایط زندگی آنان را به تصویر درآورد. فضای گتوهای روم‌ها از دل‌نگرانی، اضطراب و وحشت موج می‌زند. آنها منتظرند تا هر لحظه پلیس و مقامات دولتی از راه برسند و به بهانه‌های "قانونی" (مثل نداشتن برق، آب آشامیدنی، مسکن مناسب، تسهیلات بهداشتی و غیره) کودکانشان را بگیرند و راهی مراکز ذیربط کنند. بعلاوه نشان داده می‌شود که چطور شهردار یکی از مناطق، سرکردگیِ چنین آکسیونی را بعهده دارد و چگونه از این کنوانسیون حقوق کودک بمثابه سلاحی علیه روم‌ها استفاده می کند. ضمنا او با ادعاهای واهی، و با تهدید جداکردن کودکان از والدین، خانواده‌های روم را مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان می‌کند؛ چیزی که به پاکسازیِ قومی و نژادی تعبیر می‌شود!

راست گرایان، نژادپرستان و طرفداران اوربان و بویژه حزبِ ضدرومِ «یوبیک» Jobbik علنا جلوی دوربین اظهار می‌کنند که باید مجارستان را از وجود روم‌ها پاک کرد و زنانشان را با استفاده از مواد شیمیایی استریل نمود تا قابلیت بچه‌زایی نداشته باشند!

در ادامه، استیسی به پیگیری سرنوشت این کودکان در مراکز باصطلاح نگهداری و مراقبت از کودکان می‌پردازد. او اخبار و شایعات زیادی راجع به تن فروشی، اعتیاد و آزار جسمی و جنسی کودکان ساکن این مراکز شنیده است. پس تلاش می‌کند تا راهی بدرون این خانه‌ها بیابد و با کودکان، کارکنان و مسئولین این مراکز حرف بزند. اما تلاشهای او بی‌نتیجه می‌ماند.

نهایتا موفق می‌شود تا با چند کودک که از این خانه‌های باصطلاح امن فرارکرده‌اند مصاحبه کند. دردآور آن است که او می‌بایست صحنه‌ای را به تصویر بکشد که مادر کودکان فراری، بخاطر ترس از مقامات دولتی، آنها را به محلی که در آنجا احساس امنیت نمی‌کنند و از آنجا گریخته‌اند برگرداند. واقعا نفرت‌انگیز است که مجبور باشی کودکان فراری از آزار و اذیت جسمی و جنسی را که به تو پناه آورده‌اند، با پای خودت به مرکزی بسپاری که میدانی در آنجا چه به روزشان خواهد آمد.

استیسی موفق می‌شود تا با یکی از کارمندان مرد خانه‌های باصطلاح امنِ کودکان مصاحبه کند. او که بی نام و چهره در جلوی دوربین ظاهر می‌شود اظهار می‌دارد که اگر نام و مشخصاتش افشا شوند دیگر نخواهد توانست در مجارستان کار بگیرد. او بصراحت اظهار می‌کند که هر روز به کودکان این مراکز توسط سن و سال دارتر و نیز مامورین و کارکنان تجاوز می‌شود. ضمنا مدعی می‌شود که خودش و سایر همکارانش علیرغم دیدن صدمات و آثار زخم، هیچ کاری از دستشان برنمی‌آید. بعلاوه خاطرنشان می‌کند که این مراکز، دختران باکرهٔ ۱۰ تا ۱۲ ساله را در اختیار شبکه‌های تن فروشی قرار می‌دهند. همین شخص اطهار میدارد که یکبار پس از مشاهده چنین مواردی مراتب را به مقامات بالا گزارش کرد و به این جرم ده سال از زندگیش را تباه شد. او در حالیکه گریه می کند می‌گوید: "هیچ چیز بدتر از نگاه کردن در چشمان کودکی که مورد تجاوز دهانی و مقعدی قرار گرفته نیست. هرگز نمی شود چنین حادثه‌ای را از یاد برد... این سیستم هست که چنین شرایطی را ممکن کرده است."

بهرحال استیسی موفق می‌شود تا خودش را بدرون یکی از خانه های امن که مخصوص دختران است برساند. کارمند آنجا اظهار می کند که نیمی از این دختران تن فروشی می کنند تا پولی به دست بیاورند. در بیرون ساختمان، مردان در کمین نشسته‌اند تا از این دختران سوء استفاده جنسی کنند یا بعنوان دلال، از طریق فروش تن‌شان درآمدی برای خود دست و پا نمایند. بیش از ۹۰ درصد دختران این مرکز توسط دلالان سکس استثمار می‌شوند. جوانترین شان، دختری است که تنها ۱۰ سال دارد.

استیسی به کارمند می گوید: "این کودکان به این جرم که خانواده هایشان نتوانسته‌ا ند شرایط مناسب و امنیت لازم را برایشان تامین کنند از خانواده هایشان گرفته شده اند و به شما یعنی به اعضای بالغِ جامعه و مسئولین دولتی سپرده شده‌اند ولی شما آنها را بیدفاع در برابر سودجویان، و سواستفاده‌گران و دلالان جنسی رها کرده‌اید و هیچ کاری نمی کنید. آیا شما به اینها خیانت نکرده‌اید؟" او در جواب می گوید: "نه چون وضعیت اینان در خانواده یشان بدتر از اینجاست. در اینجا آنها این امکان را دارند تا اگر بخواهند جور دیگری زندگی کنند!"

استیسی در گفتگو با مامور اداره تامین اجتماعی که مدعی است اقدام آنها به نفع کودکان است می پرسد: "آیا دلیل اینکه والدین نمی توانند شرایط مناسب را برای کودکانشان فراهم کنند فقر نیست؟ وقتی فقیر هستند نمی‌توانند شکم کودکانشان را سیرکنند؛ برق و آب آشامیدنی سالم و مسکن مناسب برایشان تهیه نمایند و به بهداشت و غیره کودکانشان برسند. اینها حتی سقف درست و حسابی بالای سرشان ندارند. اینطور نیست؟" کارمند مربوطه در جواب می‌گوید: "اما این فقط شامل حال رومها نمی شود. سایرین هم در چنین موقعیتی هستند. ما کلا در یک منطقه فقیر زندگی می‌کنیم.". استیسی می پرسد: "اما چند تا از باصطلاح مجارها در چنین وضعیتی زندگی می کند؟ اکثر اینها روم تبار هستند. اینطور نیست؟!"

وقتی مامور اداره تامین اجتماعی منکر هرگونه تبعیض می‌شود، استیسی از اتاق خارج می‌شود و جلوی دوربین اظهار می‌کند: "من نمی گویم که همه والدین روم بی‌عیب هستند و همگی‌شان صلاحیتِ سرپرستی کودکانشان را دارند. اما اختلاف من و این خانم مسئول این است که او نمی‌تواند بفهمد که دلیل ناتوانی بسیاری از این والدین در تامین شرایط مناسب برای کودکانشان، فقر است. بنظر او این ایراد والدین است چونکه نمی‌خواهند کار کنند! اگر بخواهند حتما می توانند شرایط بهتری برای فرزندانشان فراهم کنند."

استیسی با یکی از دختران ساکن این مرکز مصاحبه می‌کند. او دوست پسری دارد که دلال تن فروشی‌اش نیز هست. استیسی از او می پرسد: "تو میدانی که این شخص از تو سوءاستفاده می کند؟" او در جواب می گوید: "بله ولی من دوستش دارم. او آنطور به من نگاه می کند که با نگاه دیگران در مرکز دولتی فرق دارد!"

در ادامه دوربین ما را با وضعیت رومها در مجارستان آشنا می‌کند. نشان داده می شود که فقر، ناداری، ناتوانی و بیسوادی گناه رومها نیست. آنها جزو طردشدگان، به‌حاشیه‌رانده شدگان و از بازارِ کار کنارگذاشته شدگان هستند. نتیجتا برای امرار معاش و بقا چاره‌ای جز گدایی، تکدی زباله گردی و کار سیاه ندارند. جالب اینجاست که مسولیت پروژه های باصطلاح "حمایت دولتی" که برای اشتغال‌زایی و انتگراسیون تدارک دیده شده کسانی نشسته‌اند که جزو رهبران جریانات و گرایشات شناخته شدهٔ راسیستی و

ضدرومی هستند! بعلاوه نشان داده می‌شود که رومها برای برخورداری از همان کمکهای حداقلِ دولتی رومها باید چه توهین‌ها و برخوردهای حقارت آمیزی را تحمل نمایند.

یکی از محلات زیست رومها در حومه بوداپست نشان داده می‌شود. از هر نظر به عصر حجر شباهت دارد. رومهای ساکن این منطقه در فقر مطلق و محرومیت کامل بسر می برند. استیسی که شدیدا متاثر شده در جلوی دوربین ظاهر می شود و می گوید: "مردم اینجا واقعا بسختی زندگی می کنند. بدتر اینکه بچه ها هم مجبورند چنین وضعیتی را تحمل کنند... بیش از هرچیز از این عصبانی هستم... و از این شدیدا ناراحتم که در سال ۲۰۱۷ آنهم در اروپا، مردم مجبورند اینطور زندگی کنند. تازه به جرم تحمل فقر باید بچه هایشان نیز از مادرهاشان گرفته شوند."

و در این میان، کودکان، بزرگترینِ قربانیان فقر و نژادپرستی هستند.

در حاشیه

بنا به آمار رسمی، حدود ۱۵ میلیون روم در اروپا زندگی می‌کنند. به این معنی رومها بزرگترین اقلیت قومی اروپا را تشکیل می‌دهند. گفته می‌شود که رومها پیشینه هندی دارند و در قرن ١٤ از طریق یونان به اروپا آمدند و در کشورهای مختلف اروپا ساکن شدند. در سالهای اخیر اروپا شاهد اوجگیری احساسات ضدرومی، نفرت‌پراکنی و عملیات خشونت‌زا علیه رومها بوده است؛ که از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود: تظاهرات وسیع ضدرومی در صوفیه (۲۰۱۱)؛ احداث دیوار بلند در اطراف محله رومی نشین شهر بای مار Baia Mare در رومانی (۲۰۱۱) و محروم کردن رومها از آب و برق؛ ضرب وشتم رومها توسط شاخه نظامیِ حزب رومی ستیز یوبیک مجارستان که «گارد مجار» Magyar Garda نام دارد، حملات مرگبار به رومها توسط گروههای نژادپرست جمهوری چک، ابعاد این حملات بقدری زیاد بود که در گزارش سالانه امنستی (۲۰۱۰) منعکس شد[8] و دولت چک شدیدا مورد انتقاد قرار گرفت؛ چاپ آفیش انتخاباتی ضدروم (۲۰۱۰) توسط حزب نژادپرست اس.ان.اس جمهوری اسلاواکی (عکس زیر) و وعده انتخاباتیِ پاکسازیِ اسلاواکی از رومها؛ ممنوعیت گدایی در دانمارک و تخصیص شش ماه زندان برای آن. این قانون و اظهارات زننده مقامات دانمارکی (از جمله Trine Bramsen سوسیال-دمکرات) علیه رومها[9]؛ اوجگیری نفرت و حمله به رومها در سوئد.[10]



[1] متن فارسی "پیمان نامه حقوق کودک"
[2] جمهوری اسلامي ایران بر اساس ماده واحده سال 1372 این پیمان نامه را بصورت مشروط پذیرفت. جهت اطلاع از این شروط به "کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران" نوشته سوسن بلیغ و دیگران از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران 1383 ص 116- 65 مراجعه کنید.
[3] به نقل از ایسنا
[4] آخرین مباحثات در این مورد را می توانید در لینک حاضر به نقل از روزنامه شرق، 2 بهمن 1397 بخوانید.
[5] گزارش سالانه 2018
[6] به نقل از گزارشات اداره تغذیه و دوایر وابسته به سازمان ملل
[7] این گزارش تا آگوست 2021 در صفحه تلویزیون سوید قابل دسترس است. لینک دسترسی
[8] لینک دسترسی به گزارش امنستی
[9] لینک دسترسی
[10] لینک دسترسی